

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و نهم، ۵ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ راهکارهای فرار از ربا / بیع الخيار - خرید و فروش برگه های اعتباری مانند سفته و حواله جات

### 1- حدیث اخلاقی (گام‌ها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ، آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ، لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةُ مَنْ عَصَاهُ، وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةُ مَنْ أَطَاعَهُ؛ فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ، وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ. فَأَلْمُتُّونَ فِيهَاهُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمْ الصَّوَابُ، وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَمَشْيُهُمُ التَّوَاضُعُ [1].»

خدای حکیم و کریم را شاکریم که بحمدالله رب العالمین در محضر آیات و روایات هستیم؛ به ویژه در محضر امیرالمؤمنین علیه السلام که امام المتقین و پروا پیشگان و خودنگهداران است. کلمات ایشان را در سیر و سلوک، محضر شما اعزه تقدیم می کنیم.

در خطبه متقین که بهترین روش سیر و سلوک، برای انسان‌های سالک است، حضرت این ویژگی‌ها را برای سالکی مانند هم‌ام بن شریح بیان فرمودند. به اینجا رسیدیم که «المتقون فیها هم اهل الفضائل». درگاه ورودی به سیر و سلوک، مراقبت و مواظبت و تقوا و خودنگهداری است که انسان‌های با تقوا دارند. اولین خصلتی که حضرت به عنوان خصلت تشریحی اوصاف سالکان و پروا پیشگان بیان فرمودند این بود: «منطقهم الصواب». گفتیم منطق بر حق، گام نخست سیر و سلوک است که هم، خوب حرف می‌زنند و هم، حرف‌های خوب می‌زنند و هم، راه خوب را می‌روند. اندیشه خوب و انگیزه صائب و بر حق و محکم و متقن دارند.

### 1.1- منزل هفدهم: اعتدال در امور

خصلت دومی که حضرت بیان می‌فرمایند این است: «و ملبسهم الإقتصاد»؛ مشی و روش و سیره آنها میانه‌روی است.

### 1.1.1- آیات مربوط به لباس در قرآن

ملبس از لباس است. یک جهت این است که لباس ظاهری ایشان، با اقتصاد است؛ نه اسراف و نه تبذیر دارند؛ نه سخت‌گیر هستند و خساست دارند و نه اسراف دارند؛ مُفْرِط و مُفَرِّط نیستند. به نظر ما ملبس در اینجا بیان سیره و روش ظاهری و معنوی آنها است.

استعمال واژه «لباس» در قرآن، منحصر به لباس ظاهری نیست. لباس تقوا هم داریم: ﴿وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾ [2]. در بعضی از آیات، از شب به عنوان لباس تعبیر شده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ [3].

هم برای تقوا لباس به کار رفته است و هم برای شب که پوشش روز است؛

### 1.1.2- منظور از لباس بودن زن و شوهر برای یکدیگر

و در مورد همسران هم دارد: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾ [4]. مراد از لباس در این آیه، سیره و روش زندگی است. لباس، پوششی است که انسان را از گرما و سرما ننگه می‌دارد. لباس، خصوصیتی دارد که هم او انسان را ننگه می‌دارد و هم انسان باید او را ننگه دارد. در آیه شریفه قرآن، لباس اضافه به تقوا شده است. تقوا، یک پوشش است. پیرایش و آرایش خاص است. روش و سیره و سیر و سلوک اینها معتدلانه است. از اینجا توشه راه را برگزید. قرآن می‌فرماید: خانم‌ها برای شوهران‌شان لباس هستند و همسران هم برای آنها لباس هستند؛ یعنی اینها فقط پوشش ظاهری نیستند، عیب‌پوش همدیگر هستند و حفاظت طرفینی دارند. مرد و زن، حافظ هم هستند. این لباس، بر قامت زنان و مردان پوشیده شده، یعنی باید معتدلانه باشد.

اینها در زندگی و برخورد و اخلاق‌شان طوری هستند که پوشش‌های معرفتی و اخلاقی آن‌چنان بر آنها پوشش گذاشته و حد و حدودی معین کرده است که برای آنها مواظبت دارد و آنها هم این حدود را محافظت می‌کنند. تقوا، یک حرز و یک دارِ حصین است؛ یک خانه با امنیت و آسایش است. خانه‌ای که در آن امنیت است، اضطراب و اضطراب نیست. هم سکونت است و هم سکینت. سکونت، آرامش ظاهری و سکینت، آرامش باطنی است. این نگهبانی، طرفینی است. هم مرد، نگهبان زن و هم زن، نگهبان مرد است. در آیات داریم که خانم‌هایی که در غیاب و حضور، حافظ مردان هستند، اینها ﴿حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ﴾ [5] هستند و اتقیا هستند. انسان با تقوا، در خطراتی است که خود را از افراط و تفریط، محفوظ نگه می‌دارد. حراست به وسیله تقوا، بهترین حراست است. این معنای لباس و پوشش است.

زمان قدیم، آبادی‌ها و روستاها و به خصوص امروزه مراکز امنیتی، برجبان‌های مراقبت دارد. تقوا، بهترین برج مراقبتی است که خودنگهداری و دگرنگهداری را به ما آموزش می‌دهد. هم ما محافظ تقوا باشیم و هم او ما را حفظ می‌کند.

### 1.1.3- تقوا مصونیت است، نه محدودیت

حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: «أَلَا فَصُونُوهَا وَتَصَوَّنُوا بِهَا [6]». «تقوا محرومیت و محدودیت نیست؛ بلکه مصونیت است؛ در حرم امن الهی قرار گرفتن است. تقوا را حفظ کنید و به آن حفظ شوید. حضرت در ابتدای خطبه ۱۹۱ می فرمایند: «عِبَادَ اللَّهِ! أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَالْمُوجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقَّكُمْ، وَأَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهَا بِاللَّهِ، وَتَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ»؛ [7] به وسیله این تقوا، طلب کمک بجوید؛ «و تستعینوا بها علی الله»؛ از تقوا برای رسیدن به خداوند کمک بگیرید. تقوا، نسبت طرفینی است. حقیقت الهی است که هم حفاظت می دهد و هم حراست می آورد؛ این معنی لباس است. برای همین هرچه این لباس برانزده و اندازه تن الهی من و شما باشد، جان الهی من و شما را بیشتر محافظت می کند.

#### 1.1.4- منظور از اعتدال در لباس پوشیدن

این برانزگی باید حفظ شود. این عبا و قبای تقوا، زینده کسی است که به اندازه و به مراقبت، با حساب و کتاب کار کند. اندازه‌ها، معتدلانه باشد. برخی لباس‌ها بلند و دست و پاگیر است. اگر چنین باشد، زیر دست و پا می آید و اگر کوتاه باشد، بدن پیدا است. متقین، بلندپوش و کوتاه‌پوش نیستند. لباس شهرت هم، یا افراط است و یا تفریط. لباس غیر مرسوم نباید پوشید. در آخرالزمان، لباس زن و مرد یکی می شود. در کلمات حضرت امیر (علیه السلام)، از تقوا، به حصن حصین و دار امین یاد شده است. ان شاء الله این جهت را رعایت کنیم و طوری باشیم که مراقب و مراقبت از تقوا داشته باشیم و تقوا هم مراقب ما باشد. «ملبسهم الاقتصاد»، یعنی اخلاق ظاهری و درونی آنها، اهل اعتدال است. نه راهب می شوند که «لا رهبانیه فی الإسلام [8]». «در دل شان مولا را دارند و در یک دست دنیا را دارند. محبت به خدا، لنگر اعتدالی آنها است. این اندیشه و انگیزه صائب، آنها را معتدل در لباس و برخورد می کند.

#### 2- خلاصه جلسه گذشته

در راه‌های برون رفت از ربا در بورس و غیر آن بودیم. حضرت امام رحمه الله بیع به شرط یا شرط الخیار را به عنوان راه فرار از ربا دارای اشکال می دانستند، ولی مستقلاً درست می دانستند. شرط الخیار یا خرید و فروش خیار را مطرح کردیم. این معامله، اگر محذوریت نداشته باشد، با معامله، ثمن و مثن عوض می شود. هر یک، مالک جنس دیگری می شود. شرط خیار می گذارد؛ مثلاً کسی پولی لازم دارد، یا جنسی لازم دارد، خرید و فروش می کند. انسان می تواند وامی بگیرد و بعد تجارت کند. نسیه و مدت دار خرید کند و بعد بی مدت بفروشد و دین خود را تسویه کند. کسی که در بازار مسلمین پول ندارد، ولی جنسی مانند

خانه یا ماشین دارد؛ می‌خواهد موقت و تا مدتی سود از آن بگیرد؛ خانه را معامله می‌کند؛ به خصوص اگر کمتر بدهد. می‌گوید شما از این خانه یا ماشین استفاده کن تا فلان مدت، اگر پول را آوردم برای خودم باشد، وگرنه برای تو باشد.

### 3- خصوصیات بیع الخیار

- 1) در این مدت پول از ملک مشتری خارج و وارد ملک فروشنده می‌شود و کالا هم از ملک فروشنده خارج و وارد ملک مشتری می‌شود؛ مثلاً مالک کتاب و پول جابه‌جا می‌شود.
- 2) در مدتی که بیع الخیار است، یا شرط الخیار گذاشته است، در صورتی که مثنی تلف شد، از ملک مشتری است. اگر هم منافی داشت، از آن مشتری است. چرا که واقعا معامله واقع شده، ولی لزومش مدت دار است. کسی که کتاب، یا ماشین، یا خانه را گرفته، واقعا تصرفات مالکانه می‌کند. فقط یک تصرف مالکانه را نمی‌تواند کند. چون قرارداد بسته، نمی‌تواند نقل و انتقال ملکی داشته باشد.

3) اگر بعد از بیعی که کرده است، به عقد دیگری اجازه داده شود و بدون افراط و تفریط خساراتی وارد شود، مستأجر امین است و چیزی به عهده او نیست.

4) نکته مهم دیگر این است که اگر در مدت معین و مشخصی که گذاشته است، مدت گذشت و پول را نیاورد، معامله لازم می‌شود. تصرفات مالکانه هم می‌تواند داشته باشد؛ ولی قبل از تمام شدن مدت، تصرفات نافعانه بود.

### 4- اشکال

آیا چنین معامله‌ای، باعث ظلم نیست؟ شرط الخیار باعث شده دست بایع از برخی استفاده‌ها کوتاه شود و این معامله، ظلم به بایع است.

### 5- جواب

می‌گوییم: این معامله شرط خیار، نتیجه جعل خودش است. خود این رافع ظلم است که منفعت می‌برد.

### 6- اشکال دیگر

آیا این معامله سفیهانه نیست که جلوی برخی تصرفات را بگیرد؟

### 7- جواب

جواب، همان است. تصرفات، اعم از مالکانه و نفعی است و مشتری دارد نفع می برد. در عرف هم می گویند: فلانی ماشین دارد، یا از این خانه استفاده می کند. گاهی منفعت های خاصی در یک مدت هم می برد. بایع هم بی سود نیست که سفیهانه باشد. این متاع، به صورت عاقلانه تبدیل به بیع خیار شده است؛ نفعش کمتر است، ولی همین مقدار منفعت، کافی است.

### 8- نظر مختار در بیع الخیار

به نظر ما این بیع، شرعی است. با کمال معذرت از حضرت امام، می گوئیم: بیع الخیار اگر به عنوان فرار از ربا هم باشد، اشکالی ندارد. وام را می خواهد پس دهد، اضافه می خواهد بدهد و یک مدتی را برای خیار می گذارد. بیع، مولود قرض نیست، تا ربا پیش بیاید، بلکه قرض، مولود بیع است. در خطبه متقین که فرمودند: «ملبس متقین، اقتصاد است»، اگر به معنای سیره زندگی بگیریم، اینها عاقلانه معامله می کنند، نه سخت گیرانه. مشکل را هم رفع می کنند. نیاز به وام دارد، جنسش را می آورد و پولی قرض می گیرد. مابه التفاوت سود را از معامله شرعی ای که انجام داده است، تأمین می کند.

### 9- راه کارهای برون رفت از ربا

#### 9.1- راه کار یازدهم: خرید و فروش برگه های اعتباری و سفته ها و امثال آن

راه دیگر که صاحبان اقتصاد و بازار بدانند، این است که برگه ها و سفته های را خرید و فروش کنیم که اعتبار مالی دارند. ما ارزش پول را به اعتبار می دانیم. مثلی می دانیم که قیمی هم هست. خروج پول از درهم و دینار را خروج موضوعی می دانیم. پولی را سال ها قبل مهریه کرده، الآن می تواند به قیمت روز بگیرد، مثلی است که قیمت گذاری می شود. منشأ اعتبار پول، بالاعتبار است؛ یعنی به اعتبار عقلا است. سفته ها و برگه های حواله جات، قابل خرید و فروش هستند. سهام هم کاشف اعتبارات عقلاییه، یا شرکت ها، یا اشخاص می دانیم. اگر در دست شما برگه سفته، یا چک باشد، یا شماره سهام شما باشد، اینها قابل خرید و فروش هستند. سررسیدهای اینها را می تواند خرید و فروش کند؛ مثلاً نیاز به پول نقد دارد، مبلغ سفته که تاریخ سررسید آن برای شش ماه دیگر است، می تواند الآن به قیمت کمتر بفروشد. اگر قرار باشد تشبیه کنیم، نمونه هایی در فقه قدیم است. برخی تطبیق در فقه قدیم را لازم می دانند که ما لازم نمی دانیم. ولی مانند معامله مدت دار است که مدت را خرید و فروش می کند.

گاهی سفته‌ها، صوری است و گاهی واقعی است که ان‌شاءالله جلسه آینده خواهیم گفت. خطوط قرمز در فقه را می‌شود به خط سبز تبدیل کرد. خرید و فروش برگه‌ها و اوراق بهادار، یا سفته‌های مدت‌دار و برگه‌های دارای اعتبار می‌تواند راه برون‌رفت از ربا باشد. در بازار عقلایی کسی با حواله‌ای برود که منشأ اعتبار دارد، بازاری‌ها به او طور دیگری نگاه می‌کنند و برای خرید و فروش آن ارزش قائل هستند. هر چه منشأ اعتبار آن برگه شناخته شده‌تر باشد، بهتر است.

---

[1] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۲۰۴، خطبه ۱۹۳.

[2] اعراف/سوره ۷، آیه ۲۶.

[3] فرقان/سوره ۲۵، آیه ۴۷.

[4] بقره/سوره ۲، آیه ۱۸۷.

[5] نساء/سوره ۴، آیه ۳۴.

[6] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۱۹۱، خطبه ۱۹۱.

[7] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۱۹۱، خطبه ۱۹۱.

[8] فتح الباری، ابن رجب الحنبلی، ج ۱، ص ۱۱۰.